



المُعْجَم

متن درس

إِعْلَمُوا ( فعل معلوم وفعل مجهول )

اِخْتِبرْ نَفْسَكَ

عين الصحيح و الخطأ حسب نص الدرس

التَّمرينُ الثَّاني

التَّمرينُ الأوَّلُ

حوارات

التَّمرينُ الخامس

التَّمرينُ الرابع

التَّمرينُ الثالث

على پور دبير عربی متوسطه دوم شهرستان کاشمر

پاورپوینت درس هفتم عربی دهم  
(ویژه علوم انسانی)

<http://arabyc.mihanblog.com/>

عربی دبیرستان

**Telegram.me/alipour11**

عربی دبیرستان

علی پور دبیر عربی دبیرستان  
شهرستان کاشمر

The image shows the cover of a textbook. At the top, there is a green semi-circle containing the Basmala in Arabic calligraphy: "Bismillah ar-Rahman ar-Rahim". Below this is a yellow horizontal band with the title "عربی زبان قرآن (۱)" in white Arabic script. Underneath the yellow band is a smaller yellow band with the text "رشته های علوم تجربی، ریاضی و فیزیک - شاخه های فنی و حرفه ای و کار دانش". The main body of the cover is white with a green rectangular area on the left containing the text "دوره دوم متوسطه". At the bottom, there is a blue horizontal band with the number "1398" in white. To the right of the blue band is a green logo of a book with a crown on top.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدرس السابع

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

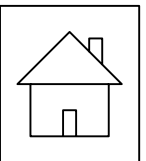
او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

# الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

صِنَاعَةُ النَّفْطِ : صَنَعَتْ نَفْتَ

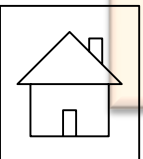
كَيْفَ نَحْصِلُ عَلَى النَّفْطِ؟

چگونه نفت را به دست می آوریم؟



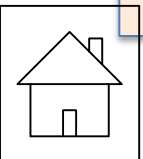
يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانَ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا  
الِاسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا،  
لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ

انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و گاهی  
این استخراج وقت بسیاری می گیرد؛ زیرا حفر در  
طبقات صخره هاست



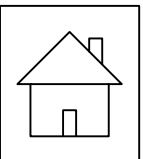
فِي إِيرَانَ ثُرُوتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛  
بِلَادِنَا غَنِيَةٌ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا  
مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ

در ایران ثروت‌های بسیاری درون زمین وجود دارد.  
کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را  
به کشورهای صنعتی صادر می‌کند



عَرَفَ ا لَانْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ  
كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْاَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ  
كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْاَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از  
سطح زمین جمع می کرد و به عنوان سوخت و برای  
درمان بیماری های پوستی از آن استفاده می کرد.





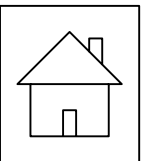
يَصْعَدُ النَّفْطُ . يَحْفِرُ الْعَمَّالُ بئراً وَ يَضَعُونَ أَنْبُوباً فِيهَا  
يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمَفَاتِيحٍ . بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ

انسان چاهی را حفر می کند و در آن لوله ای می گذارد . نفت به  
وسیله لوله بالا می رود . لوله با کلیدهایی باز و بسته میشود .



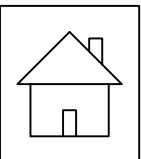
انتقال نفت از راه  
لوله ها کم خطرتر  
و کم هزینه تر از  
انتقال آن از راه  
نفتکش هاست

نَقْلُ النَّفْطِ عِبْرَ  
الْأَنْبِيِبِ أَقْلُ  
خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ  
نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ  
النَّفْطِ؛



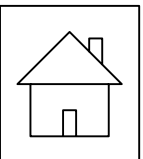
و برای آسان سازی  
انتقال نفت به وسیله  
لوله ها از سرازیری  
ها دستگاههای کاهش  
فشار استفاده میشود  
تا لوله ها سالم بمانند.

وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ  
بِوَسِيئَةِ الْأَنْبِيْبِ عِبْرَ  
الْمُنْحَدِرَاتِ تُسْتَخْدَمُ  
أَلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ  
حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبِيْبُ  
سَالِمَةً



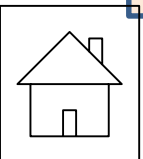
و لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبِيْبِ عِبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ  
تُستَخدَمُ آلاَتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغَطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبِيْبُ سَالِمَةً

و برای آسان سازی انتقال نفت به وسیله لوله ها از  
سرازیری ها دستگاہهای کاهش فشار استفاده میشود تا  
لوله ها سالم بمانند.



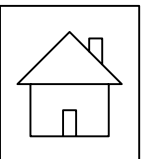
و موفق ترین آنها در  
کشیدن خطوط لوله و  
نگهداری آنها از مکان  
های تولید تا مکان های  
مصرف است.

لَا يِرَانِ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ  
فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ  
عَبْرَ الْأَنْبَابِ وَ هِيَ  
مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ  
الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ



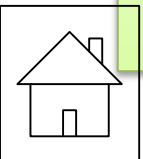
وَ أَنْجَحِهَا فِي مَدِّ خُطُوطِ الْإِنَابِيِّ وَ  
صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتَاكِ إِلَى أَمَاكِنِ  
الْإِسْتِهْلَاكِ

و موفق ترین آنها در کشیدن خطوط لوله و نگهداری آنها از  
مکان های تولید تا مکان های مصرف است.



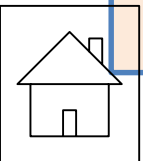
عَلَى امْتِدَادِ الْإِنَابِيِّ تَوْجِدُ أَعْمَدَةُ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَاتِ  
إِنذَارٍ، وَ لُوحَاتٍ تَحذِيرِيَّةٍ بِاللُّونِ الْأَصْفَرِ تُحذِرُ  
الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِإِنْبَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ

در امتداد لوله ها دکل های مخابراتی به عنوان ایستگاه های هشدار  
وجود دارند و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم میهنان را از کندن  
برای ساخت ساختمان یا کشا ورزی بر حذر میدارد؛



وَ تَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَهُ هَذِهِ  
الاناييبِ وَ الْاِتِّصَالَ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ

و بر هر هم میهنی واجب است که از این لوله ها  
نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت  
(خطوط لوله و مخازن شرکت نفت) تماس بگیرد.





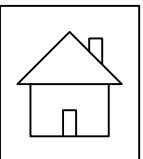
نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ  
الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ،

از نفت فرآورده های بسیاری مانند بنزین و روغن به دست می  
آوریم و نفت در صنعت استفاده دیگری دارد،



فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَّاطُ وَالْعَطُورُ وَالْأَدْوِيَّةُ وَالْمُبِيدَاتُ  
الْحَشْرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ  
السَّمَادُ الْكِيمْيَاوِيِّ وَ غَيْرُهَا.

از آن پلاستیک، عطر، دارو، حشره کش، مواد  
آرایشی، خمیر دندان، کود شیمیایی و غیره ساخته می شود.



كَيْفَ يَنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ  
مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي  
عَبْرَ الْأَنْبِيَبِ.

نفت چگونه و به کجا انتقال داده میشود؟ نفت از چاهها یا بندرها  
به پالایشگاهها از راه لوله ها منتقل میشود.



نُحْمٌ يُنْقَلُ النَّاقِلَاتُ مُسْتَنْقَاتِ النَّقْطِ مِنَ  
الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوُقُودِ فِي الْبِلَادِ.

سپس نفتکش ها مشتقات نفت را از پالایشگاه ها  
به ایستگاه های سوخت در کشور انتقال میدهند.



آبار : چاه‌ها «مفرد: بئر»

اتصالات : مخابرات

استعمار : خواستار آباد کردن شد

استغرق وقتاً طويلاً : وقتی

طولانی گرفت

استهلاك : مصرف

أقلُّ خَطراً : کم خطرتر، کم خطرترین

أنجح : موفق تر، موفق ترین

إنذار : هشدار

أنشأ : آفرید

بلدان : کشورها «مفرد: بلد»

بناء : ساختن، ساختمان

تَجِبُ، يَجِبُ : واجب است، باید

تَحذِيرِيَّة : هشدارآمیز

سَمَاد : کود

صَدَّرَ : صادر کرد

صُخُور : صخره‌ها

صيانة : نگهداری، تعمیر

غاز : گاز

مُبيدَةُ الحَشَرَاتِ : حشره کش

مَحَطَّة : ایستگاه

مَدُّ خُطُوطِ الأَنَابِيِبِ : کشیدن

خطوط لوله

مَصافي : پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»

مُصَدِّرَة : صادرکننده

مَطَّاط : پلاستیک، کائوچو

مُنحَدَر : سرازیری

مَوادُّ التَّجْمِيلِ : مواد آرایشی

مَوَانِي : بندرها «مفرد: میناء»

نَاقِلَاتُ النُّفُطِ : نفتکش‌ها

وَقُود : سوخت (مواد سوختی)

يُفْتَحُ : باز می شود

يُغْلَقُ : بسته می شود

يُنْقَلُ : منتقل می شود



# عين الصحيح و الخطأ حسب نص الدرس.

الصحيح

١ لبلادنا تجارب كثيرة في صناعة نقل النفط عبر الأنابيب.

الصحيح

٢ يستفيد الإنسان من النفط في صناعة مواد التجميل.

الخطأ

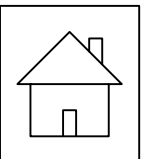
٣ على امتداد الأنابيب لا توجد أعمدة اتصالات.

الصحيح

٤ ينقل النفط من البئر إلى ميناء التصدير.

الخطأ

٥ نقل النفط عبر الأنابيب أكثر خطرا.



اَلْعِلْمُ وَالْاِ

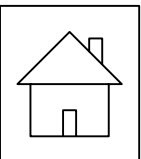
موضوع درس هفتم : فعل معلوم و مجهول است.  
فعل از نظر مشخص بودن فاعل و یا مشخص نبودن آن دو نوع است:

۱- فعل معلوم : فعلی است که فاعل آن «معلوم» و مشخص است. مانند: كَتَبَ عَلِيٌّ الدَّرْسَ  
علی درس را نوشت که فاعل و انجام دهنده کار معلوم است (علی)





۲- فعل مجهول : فعلی است که فاعلِ آن « مجهول »  
و نا مشخص است  
مانند: كُتِبَ الدرسُ  
درس نوشته شد  
که در این عبارت فاعل مشخص نیست.



## روش مجهول کردن جملات معلوم:

الف) ابتدا فاعل از جمله حذف می شود .

ب) سپس مفعول به جای فاعل می آید و اعراب فاعل ( مرفوع ) را

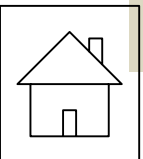
می گیرد که به آن نایب فاعل می گویند .

ج) حرکات فعل و شماره فعل تغییر می کند

د) در آخر باید فعل مجهول را هم با نایب فاعل مطابقت دهیم تا اگر

از نظر مذکر و مؤنث بودن با هم متفاوت بودند فعل مجهول را با

نایب فاعل متناسب کنیم. مانند



## معلوم

كَتَبَ عَلِيٌّ الدَّرْسَ

تَكْتُبُ فَاطِمَةُ رِسَالَةً

نَصَرَ اللهُ الْمُؤْمِنِينَ

يَضْرِبُ الوَالِدُ أَخَاكَ

قَرَأَتِ الطَّالِبَةُ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ

## مجهول

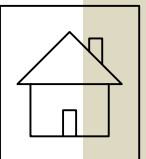
كُتِبَ الدَّرْسُ

تُكْتُبُ رِسَالَةً

نُصِرَ الْمُؤْمِنُونَ

يُضْرَبُ أَخُوكَ

قُرِئَتِ آيَاتٌ مِنَ الْقُرْآنِ



نکته ۱ : همان گونه که فعل معلوم باید با فاعل مطابقت داشته باشد فعل مجهول نیز لازم است با نائب فاعل مطابقت داشته باشد : مانند

## مجهول

أَخَذْتُ رِسَالَةً  
تُكْتُبُ حِكَايَاتٍ  
أَفْتَتِحُ مَدْرَسَةً  
ضُرِبَ أَخُوكَ الْمَظْلُومُ

## معلوم

أَخَذَ عَلِيٌّ رِسَالَةً  
يَكْتُبُ مُحَمَّدٌ حِكَايَاتٍ  
إِفْتَتَحَ الْمُدِيرُ مَدْرَسَةً  
ضَرَبَتِ الْأُمُّ أَخَاكَ الْمَظْلُومَ



در زبان فارسی برای تبدیل فعل معلوم به مجهول از فعل ومشتقات « شدن » كمك مي گيريم .

مثال:

پروين جايزه اي گرفت . جايزه اي گرفته شد . ماضي

كورش يك كاردستي مي سازد . يك كاردستي ساخته مي شود . مضارع

اما در زبان عربي براي تبديل فعل معلوم به مجهول ، وزن فعل را تغيير مي دهيم .

فعل ماضي: (فَعَلَ: انجام داد  
فُعِلَ: انجام داده شد.)



## معلوم

كُتِبَ: نوشت

أُرْسِلَ: فرستاد

نُزِّلَ: نازل کرد

أُكْتَسِبَ: به دست آورد

## مجهول

كُتِبَ: نوشته شد

أُرْسِلَ: فرستاده شد

نُزِّلَ: نازل شد

أُكْتَسِبَ: به دست آورده شد

نتیجه: برای مجهول کردن فعل ماضی عین الفعل را کسره می دهیم.

خَلِقَ ← خَلِقِ

حرف یا حروف متحرکِ ماقبلِ عینِ الفعلِ را مضموم می کنیم. اِكْتَشَفَ ← اِكْتَشِيفِ



نتیجه: برای مجهول کردن فعل مضارع عین الفعل را فتحه می دهیم. **يَخْلُقُ** ← **يُخَلِّقُ**

حرف مضارع را مضموم می کنیم. **يَكْتَشِفُ** ← **يُكْتَشِفُ**

**يُكْتَبُ**: نوشته می شود.

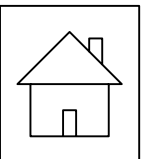
**يُرْسَلُ**: فرستاده می شود.

**يُعَلَّقُ**: آویزان می شود.

**يَكْتُبُ**: می نویسد

**يُرْسِلُ**: می فرستد

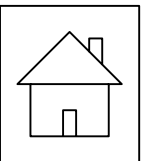
**يُعَلِّقُ**: آویزان می کند.



نکته: اگر شنیدید (المَبْنِيَّة للمجهول ) همون فعل مجهول است و  
اگر شنیدید (المَبْنِيَّة للمعلوم ) همون فعل معلوم است

- عَيْنَ الأفعالِ المَبْنِيَّة للمجهول:

يُقَدِّمُ - يُخْضِرُ - عُلِّمَ - يُمْنَعُ - يُدَافِعُ - أَشْكُرُوا - أَجْلِسُ - تُشَاهِدِينَ -  
أَسْتَخْرِجَ - اِكْتَسَبْتَ - تُعْرِفَانِ - تَوْسَّسُ - يُحْتَرَمُ - اِبْتَسِمَ - اُنْظُرُ





عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَجْهُولِ:  
الف: كَتَبَ الْمُسَافِرُ رِسَالَةً.

١. كُتِبَ رِسَالَةً.

٢. كُتِبَتْ رِسَالَةً.

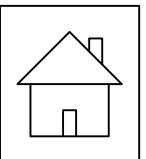
٣. كَتَبَ الْمُسَافِرُ رِسَالَةً.

ب: أَكْرَمَ الْجُنُودُ الْقَائِدَ.

١. أَكْرَمَ الْقَائِدُ.

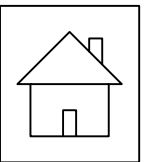
٢. أَكْرَمَ الْقَائِدَ.

٣. أَكْرَمَ الْقَائِدُ.



نفساء

اخضر



أكمل ترجمة العبارات التالية ، ثم أعرب الكلمات الملونة.

١- ( شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ) البقرة: ١٨٥

ماه رمضان كه در آن قرآن . نازل شد

٢- ( وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ) الأعراف: ٢٠٤

و هرگاه قرآن خواندم شد ، آن گوش فرا دارید



۳- تعرف الأشياء بأضدادها.

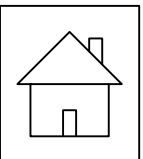
چیزها به کمک متضادهایشان شناخته می شوند

۴- أغلق السائق باب حافلة المدرسة.

راننده در اتوبوس مدرسه را بست

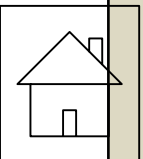
۵- طبخت والدة سعيد طعاما لذيذا.

مادر سعید خوراک خوشمزه ای پخت



اوه

| السائح  | گردشگر  | مسؤول الإستقبال   | مسئو پذیرش   |
|---|---|---|--|
| رجاء، أعطني مفتاح غرفتي.<br>لطفاً كلید اتاقم را به من بدهید | ما هو رقم غرفتك؟<br>شماره اتاقتون چنده                                    | مئتان و عشرون.<br>۲۲۰   | تفضل. بفرما  |
| عفوا ، ليس هذا مفتاح غرفتي.<br>ببخشید این کلید اتاق من نیست | أعتذر منك؛ أعطيتك ثلاثمئة و ثلاثين.<br>از شما عذر میخوامم ۳۳۰ به شما دادم | لا بأس ، يا حبيبي. ما هي ساعة دوامك ؟<br>اشکالی ندارد ساعت کاریت تا کی است؟ | من السادسة صباحا إلى الثانية بعد الظهر؛ ثم يأتي زميلي بعدي.<br>از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ ظهر سپس بعد از من همکارم می آید |



متى مواعد الفطور و الغداء و العشاء؟

زمان های صبحانه؛ نهار و شام چه وقتی است؟

الفطور من السابعة و النصف حتى التاسعة إلا ربعاً؛ الغداء من الثانية عشرة حتى الثانية و الربع؛ العشاء من السابعة حتى التاسعة إلا ربعاً.

صبحانه از هفت و نیم تا یک ربع به ۹ ؛ نهار از ۵/۱۲ تا ۲ و ربع ؛ شام از ساعت ۷ تا یک ربع به ۹

و ما هو طعام الفطور؟

صبحانه غذا چیست؟

شاي و خبز و جبنة و زبدة و حليب و مربى المشمش.

چای و نان و پنیر و شیر و مربای زردآلو

و ما هو طعام الغداء؟ نهار غذا چیست؟ رز مع دجاج . پرنج و مرغ

و ما هو طعام العشاء

شام غذا چیست؟

رز مع مرق باذنجان

پرنج با خورشت پالمجان

أشكر.

متشكراً

لا شكر على الواجب.

تشکر لازم نیست یا وظیفه است



تھمارے



التمرين الأول: أي كلمة من كلمات المعجم ، تناسب التوضيحات التالية؟

١ مكان على ساحل البحر تشاهد السفن إلى جنبه. **ميناء (بندر)**

٢ حفرة عميقة يستخرج الماء أو النفط منها. **البئر (چاه)**

٣ مادة كالبنزين و النفط و الغاز. **مطاط (پلاستيك)**

٤ الإستعمال و الإستفادة. **استهلاك (مصرف)**

٥ الحفاظ على الأشياء. **الصيانة (نگهداری)**



التمرين الثاني: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «ثلاث كلمات زائدة»

استهلاك / سماء / سائل / تنقل / تستغرق / سفن / المحطة

١ وقفت الحافلة في **المحطة** حتى يذهب المسافرون إلى دورات المياه.

٢ كم ساعة . **تستغرق** "سفرة من مكة إلى المدينة المنورة؟

٣ السيارة . **تنقل** أخشابا من الغابة إلى مصنع الورق.

٤ صنع جهاز لتقليل . **استهلاك** كهرباء في الحاسوب.

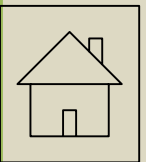
٥ النفط . **سائل** أسود تصنع أشياء كثيرة منه.

١ سفن: كشتى ها



التمرين الثالث: ضع في الفراغ فعلا مناسباً.

- ١ اللوحات التحذيرية . **تُحَفَرُ** مواطنين من حفر الأرض . يحذر تحذر
- ٢ .. **يُرَسَمُ** بديقي صورة خلاصة على جدار المدرسة . يرسم يرسم
- ٣ . **تُسمِعُ** صوت قوي من بعيد ، فخاف الجميع . سمع سمع
- ٤ **يُنْقَلُ** النفط عبر الناقلات إلى المصافي . ينقل ينقل
- ٥ **يُطَبَخُ** طبخ طعاما طيبا في المطعم . يطبخ يطبخ
- ٦ . **تُصَنَعُ** لويات لذيذة في مدينة يزد . تصنع يصنع



التمرين الرابع: اكتب مفرد الأسماء التالية ، مستعينا بمعجم الدرس.

سفن:

آبار: ... **البئر**

موانئ: **ميناء**

صخور: ..... **الصخره**

..... **سفينة**

مصافي: .. **المصفاة**

مواد: . **ماده**

أدوية: .... **الدواء**

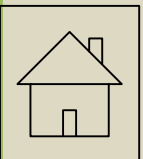
دول: **دولت**

خطوط: .. **المخطّ**

أنابيب: **انبويه**

مواعد: ... **الموعد**

بلدان: **البلد**



التمرين الخامس : عين الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى في المعنى مع بيان السبب.

غاز حروب نفط وقود

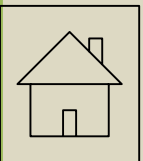
ثامنه حافلة طائرة ناقلة

محطة مطار ساحة سماء

جبنه حليب تقاعد زبدة

دجاجة نققه بومة حمامة

أصفر أزرق أحسن أحمر



با تشکر و سپاس از  
توجه نگاه مهربانتون

پایان

علی پور: دبیر عربی متوسطه  
دوم شهرستان کاشمر @alipour11

